

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴

بررسی جلوه‌ها و نمادهای پایداری در شعر ژاله اصفهانی* (علمی- پژوهشی)

رحمت الله قاسمی سیاس
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد
دکتر جهانگیر صفری
دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

چکیده

شعر پایداری، برآیند احساس همدلی میهنی در برابر هر نوع تجاوز از طبیعت بشری، برای تحصیل استقلال است. این نوع ادبی، بستری برای تجلی احساسات دینی، میهن پرستی، آزادی خواهی، حق طلبی و غیره به حساب می آید. هر کدام از شاعران دلسوز و متعهد، با کوشش‌های ذهنی متفاوت در زمینه شعر پایداری سهم خود را ادا کرده‌اند. توصیف رشادت‌ها و جانبازی‌های قهرمانانی که مدافع حقوق وطن هستند، پرداختن به اصل دفاع از حریم وطن در برابر عناصر ظلم و تهاجم، آرمان والای آزادی، صلح و اهداف متعالی انسانی در شعر ژاله اصفهانی، برجسته‌ترین مضامین پایداری به حساب می آیند؛ همچنین نمادهایی را که در شعر وی به کار گرفته شده‌اند، می‌توان در پنج گروه انقلابی، اساطیری و تاریخی، بیداری، طبیعی و منفی خلاصه کرد. نوشته حاضر درصدد بررسی و توصیف جلوه‌ها و نمادهای پایداری در شعر این شاعر است.

واژه‌های کلیدی: ژاله اصفهانی، شعر پایداری، حماسه و پایداری، وطن

دوستی، شعرنو.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۲/۱۳
sepas68@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۱
نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱- مقدمه

در طول تاریخ، حوادث و اتفاقات سرنوشت‌سازی برای هر ملّتی روی می‌دهد که در آنها نوعی تقابل و کشمکش با مخالفان و دشمنان دیده می‌شود و این نوع حوادث در آثار ادبی نیز، منعکس می‌شود و معمولاً این دفاع در مقابله با دشمن، با تقدس و تکریم نگریسته می‌شود. «تاریخ ادبیات دفاع مقدس، از نخستین روزهای آغازین جنگ شروع شده است و همچنان ادامه دارد؛ چراکه هنوز حادثه‌های آن روزگار جاری است و یادها و نمادها و آثار آن را در ذهن نسلی که از متن حادثه به امروز رسیده است، می‌توان یافت. نسل‌های پسین نیز نمی‌توانند بدون این گذشته زندگی کنند» (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۲). در نتیجه ضرورت پرداختن به شعر پایداری در هر دوره‌ای از ادوار تاریخ ادبیات فارسی احساس می‌شود. این نوع ادبی به دلیل برخورداری از عواطف ملی و میهنی می‌تواند به خوبی نشانگر گذشته درخشان ادبی‌ای باشد که شاعران مثل همیشه طلایه داران عرصه زبان و قلم آن به حساب می‌آیند. «بدون شک، هشت سال جنگ تحمیلی، دفاع مقدسی بود که جنبه‌های فراوان دینی و ملی دارد و پرداختن به آن امری ضروری است؛ زیرا تأثیرات جنگ بر تمام وجوه زندگی مردم، هنوز جایگاه مهم خود را دارد و ضرورت پرداختن به آن همواره احساس می‌شود» (احمدیار، ۱۳۸۵: مقدمه). حس عمومی آن زمان، هر کسی را ناخودآگاه به حوزه دفاع از میهن تحریک می‌کرد و شاعران با برخورداری از روحیه ملی‌گرایی و حس تعهد به وطن، همچنان در جایگاه والای خود ثابت قدم ماندند. در این راه شاعران زن با بروز عواطف و احساسات میهن‌پرستانه از قافله شعرا دور نماندند و با استفاده از شعرشان، گام‌به-گام به حمایت از رزمندگان و مبارزان مدافع وطن پرداختند. «جنگ نسبتاً طولانی که تصویرگر صحنه‌هایی ناب از عشق و عرفان و شهادت طلبی و اخلاص و ایثار بود، در اندیشه زنان میهن‌ما-خاص زنان شاعر- تأثیری ژرف و سازنده داشت. آنان غربت و مظلومیت حق‌پرستان جهان معاصر را که ایران خاستگاه‌شان است دریافته، به رسوا کردن این دنیای دل‌سنگ برخاستند» (بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳: ۵۰۶). با توجه به این‌که ژاله اصفهانی از شاعران برجسته و آزادی‌خواه معاصر است، بالطبع در شعر او رگه‌هایی از پایداری و دفاع دیده می‌شود. پژوهش

حاضر در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است و به دنبال آن، هدف خود را تحلیل مضامین و نمادهای‌های پایداری در شعر ژاله اصفهانی در نظر گرفته است.

الف: دیدگاه ژاله در خصوص ادبیات پایداری چگونه است؟

ب: مؤلفه‌های پایداری در شعر ژاله کدامند؟

ج: پربسامدترین نمادهای پایداری در شعر ژاله کدامند؟

۱-۱- بیان مسئله

با توجه به حوادث سده اخیر جامعه ایرانی و مبارزات مردم از مشروطه تاکنون، یکی از دغدغه‌های مهم اجتماعی که در آثار ادبی نیز بازتاب یافته، مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی برای کسب هویت ملی و مذهبی بوده است. شاعران نیز به‌عنوان قشر فرهیخته، این دغدغه‌های مردمی را در اشعار خود بیان کرده‌اند. برای شناخت ویژگی‌های مبارزات مردم در قرون گذشته، بررسی اشعاری که به این موضوع اختصاص یافته‌اند، بستری مناسبی را فراهم می‌آورد. ژاله اصفهانی با خلق مضامین متنوعی در زمینه پایداری توانسته است این موضوع را به خوبی در شعر خود منعکس کند. نویسنده در تحقیق حاضر تلاش می‌کند این جلوه‌ها و نمودها را به شیوه تحلیل محتوا و روش کتابخانه‌ای بررسی نماید.

۲-۱- پیشینه پژوهش

در خصوص بررسی زمینه‌های پایداری در شعر، پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است از جمله: «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده»، از احمد خلیلی و دیگران، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، «درنگی در مضامین پایداری در شعر سید قطب» نوشته علی سلیمی و فاروق نعمتی، همان نشریه. کتاب «زندگی و آثار ژاله اصفهانی» و «صور خیال در شعر ژاله اصفهانی» اثر پریچهر سلطانی خراجی نیز، از کوشش‌هایی است که سعی در معرفی و شناخت شعر و اندیشه ژاله اصفهانی داشته‌است؛ از آنجا که پژوهش مجزایی که به تحلیل مضامین پایداری در شعر ژاله اصفهانی پرداخته باشد، صورت نگرفته است؛ نگارندگان این مقاله در پی تحلیل مضامین و نمادهای پایداری در شعر این شاعر هستند.

۱-۳-۱- اهمیت تحقیق

بدون شک در باب شعر پایداری در هر دوره‌ای از ادوار ادبی نیاز به تحقیق و پژوهش احساس می‌شود. شعر ژاله در حقیقت دربردارنده احساس ناب عشق به وطن و قیام انسان در برابر ظلمت و تاریکی است. موضوعاتی که در شعر ژاله مطرح می‌شود، بیان‌کننده رویدادهای اجتماعی‌ای است که انسان به عنوان محرک اصلی آنها در نظر گرفته می‌شود. کانون توجه ژاله بیان نوسانات گوناگون اجتماعی و تناقض‌های جهان مدرن است که هر لحظه گریبان‌گیر نسلی از انسان‌ها می‌شود و آن‌ها را به ورطه نابودی می‌کشاند. بیان شومی جنگ و خون‌ریزی و ویرانی‌های حاصل از آن و بالطبع مبارزه مردمی در برابر آن برای تحصیل صلح و هم‌زیستی، رسالت اجتماعی ژاله اصفهانی است که در شعر او منجر به ظهور زمینه‌های پایداری شده است.

۲- بحث

۲-۱- معرفی ژاله اصفهانی

مستانه سلطانی، متخلص به «ژاله اصفهانی» در یکی از ماه‌های سال ۱۳۰۰ در اصفهان به دنیا آمد. نام «ژاله» را به عنوان تخلص برای اولین شعری که در ۱۳ سالگی سروده بود، انتخاب کرد. وی در مدرسه «بهشت آیین» اصفهان، تحصیلات اولیه خود را پشت سر می‌گذارد و مدرک لیسانس خود را از دانشگاه تهران اخذ می‌کند. ژاله اصفهانی، پس از ازدواج با شمس‌الدین بدیع تبریزی، افسر نیروی هوایی، مجبور به مهاجرت ناخواسته به شوروی سابق می‌شود. بعد از اقامت در آن کشور، ژاله در دانشگاه آذربایجان ثبت نام می‌کند و به اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته ادبیات نایل می‌شود. چندی پس از آن به مسکو می‌رود و در آنجا به فراگیری زبان روسی می‌پردازد و در نهایت پس از جنگ روسیه مرحله دکترای خود را به پایان می‌رساند. در طی وقوع انقلاب، ژاله و همسرش دوباره به ایران باز می‌گردند؛ اما شرایط موجود و دوری از فرزندانش او را آزار می‌داد؛ از این رو در سال ۱۳۶۱، ایران را به مقصد انگلستان ترک کرد. بیماری همسر ژاله

به مدت طولانی و فوت او، ضربه سختی بر روح و جسم ژاله وارد کرد، اما چندی نپایید که ژاله خود نیز، به بیماری جانکاه سرطان مبتلا شد. سرانجام در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۷ م، در سن ۸۶ سالگی در لندن درگذشت (سلطانی خراجی، ۱۳۹۱: ۴۰-۵۰). از آثار وی که به دو نوع منظوم (شعر) و منثور (ترجمه و آثار علمی) تقسیم می‌شوند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گل‌های خودرو، زنده رود، البرز- بی‌شکست، هر گلی‌بویی دارد (ترجمه اشعار خارجی به زبان فارسی)، نیمایوشیج (پدر شعر نو)، سایه‌های سال (خاطرات)، عارف قزوینی (شعر و موسیقی مبارزش)، ترجمه چند نمایشنامه از زبان آذری و... (همان: ۶۰-۷۰). ژاله اصفهانی، شاعر عصر معاصر ایران است که هر چند جزو شاعران حوزه مقاومت و انقلاب محسوب نمی‌شود؛ اما به دلیل داشتن روحی سرشار از تعهد، دفاع از کشور در برابر عناصر مهاجم، وطن‌پرستی و در نهایت رسیدن به قله آزادی و پیروزی را به عنوان رسالتی در شعر خود انتخاب کرده و به خوبی توانسته از عهده این رسالت بیرون بیاید.

۲-۲- شعر پایداری و قالب‌های نو

تقریباً بیشتر اشعاری که در موضوع پایداری همزمان با انقلاب و پس از آن سروده شده‌اند، در قالب‌های سنتی همچون: غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و... هستند و در موازات با پیروزی انقلاب و پس از آن، قالب‌های نیمایی نیز، برای طرح موضوعات پایداری به کار گرفته شدند. قالب‌های غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و شعر نو، از جمله قالب‌های مورد توجه شاعران مقاومت بوده است. در طول دوران جنگ شعرهایی در قالب نو، سروده شدند؛ اما آنچه که بیشتر به چشم می‌آید این است که بعد از پایان جنگ، این قالب بیشتر مورد توجه قرار گرفت (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۴۱). در این مسیر، شاعران جوانی بودند که در کنار سرودن شعر کلاسیک، به سرودن شعر در قالب‌های نو نیز اقبال نمودند و توانستند همپای با شاعران سنت‌گرا، مضامین بدیعی با محتوای پایداری خلق کنند. در کل در سال‌های میانی انقلاب، میزان قابل توجهی از آثار این مضمون خاص را در قالب‌های نو می‌بینیم؛ حتی در سال‌های آغازین نیز، می‌توانیم پراکنده و هر از گاه، کارهایی را در این شکل و لباس ببینیم؛ اما این آثار شتابزده، قوام نیافته و

سطحی‌اند (کافی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). از طرف دیگر، قالب‌های نیمایی آماده پذیرش محتواهای گوناگونی نیز بودند؛ یعنی ساختار شعر نو به گونه‌ای بود که می‌توانست تصاویر گوناگون و زبانی تازه را به شکل داستان گونه - که قوت تأثیر و تثبیت بیشتری دارد - بیان کند؛ به طور خلاصه می‌توان روایی گونه بودن، گنجایش شعر نو برای بیان موضوعات مختلف جنگ، تازگی مضمون، زبان، محتوا و تصویر پردازی و عدم محدودیت‌های شکلی و موسیقایی را از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر نو انقلاب ذکر کرد (کافی، ۱۳۹۰: ۱۲۴-۱۲۷؛ قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۱۹)؛ اما به دلایلی همچون هماهنگی و انس مفاهیم دینی با قالب‌های سنتی، تصور علاقه‌مندی به قالب نیمایی به معنی بی‌عنایتی به ارزش‌های انقلاب، گرایش اکثر پیروان نیما به مفاهیم غربی و غیر دینی، اعتقاد و علاقه‌مندی شاعران انقلاب به شعر کهن و گرایش به سنت و سنت‌گرایی که متناسب با انقلاب و ریشه‌های آن است، شعر نو نتوانسته است چندان با مضامین پایداری خود را هماهنگ سازد (یا حقی، ۱۳۷۸: ۲۰۵-۲۰۶؛ قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۱۸؛ کافی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). با وجود این دلایل، نویسندگان دیگر، سخنی متفاوت‌تر را ابراز کرده‌اند: نخستین سروده‌های دفاع مقدس در قالب نیمایی و به زبان روایی و نسبتاً بلند سروده شده‌اند و در نخستین روزهای جنگ، عمده سروده‌ها در قالب‌های نیمایی بوده است (سنگری، ۱۳۸۰: ۲۱۳). در آخر می‌توان نتیجه گرفت که گرایش به قالب‌های نو در کنار قالب‌های سنتی، در شعر انقلاب هم احساس می‌شد و هم با گذشت زمان به ثبات بیشتری می‌رسید؛ چرا که «گرایش به قالب‌های سنتی، به معنای طرد و نفی قالب‌های نو نبود. فرم‌های نو شعری نیز، در کنار قالب‌های سنتی، همچنان حیات و حضوری فراگیر داشتند (روزبه، ۱۳۸۱: ۲۱۰).

۲-۳- حماسه و شعر پایداری

حماسه، جزء نخستین مضامین و جان‌مایه‌های شعر انقلاب است. عنصر حماسه در شعر انقلاب، موجب شد که شاعر رجزها و سخنان قلندرانه خود را در خصوص قهرمانان و ضدقهرمانان، با آهنگ و لحن تپنده‌ای بیان کند (کافی: ۱۳۸۹: ۱۳۴-۱۳۸). آنچه پیوند بین حماسه و پایداری را در ثبات نگه می‌دارد، نبرد بین خیر و شر و قهرمان با ضد قهرمان است که تجلی آن به خوبی در ادبیات

پایداری مشاهده می‌شود. هر آنچه از طرف کشور مدافع اعمال می‌شود، نماینده حق و عدالت و اعمالی که از سوی کشور مهاجم صورت می‌گیرد، بیان‌کننده شر و باطل است؛ بنابراین روح حماسه و پایداری در توازن هم و به عبارتی دیگر در یک کالبد گنجانده شده است. «در این بین، حیات نوین ملت ما با شعارهایی آغاز شده، آکنده از مایه‌های فرهنگی، اخلاقی و مدنی و نیز برای از سر راه برداشتن موانع راه، همراه با مایه‌های حماسی، آزادی خواهانه و شهادت طلبانه» (صنعتی، ۱۳۸۹: ۹۱). اگر ادبیات جنگ، در واقع ترسیم‌کننده تصویرهایی جاندار همراه با درس پایداری باشد؛ بی‌شک حماسه، از اجزای جدایی‌ناپذیر آن خواهد بود و شاید بتوان گفت که به واسطه همین عنصر حماسه است که جنگ در جغرافیای خاصی محصور نمی‌ماند. آنچه در شعر پایداری بزرگنمایی دارد؛ در واقع روح حماسی رزمندگان است. «پیروزی انقلاب اسلامی و غرور آفرینی رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد هشت سال دفاع مقدس، نمونه دیگری از حماسه شکوهمند انسانی است که درخشان‌ترین درونمایه حماسی خود را از حماسه بزرگ عاشورا گرفته است» (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۰۳). شاعران، با به جلوه رساندن رشادت‌های دلیر مردانی که مقتدرانه می‌جنگیده‌اند، میدان بروز حماسه را پر رنگ‌تر می‌کردند. «شعرهای حماسی، در برگیرنده آن دسته از شعرهایی‌اند که به تصویر و توصیف حماسه آفرینی‌ها، از خود گذشتگی‌ها، جانبازی‌ها و ایستادگی‌های بی‌نظیر رزمندگان راه حق در جبهه‌ها می‌پردازند» (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۳)؛ بنابراین، روح حماسی به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی شعر پایداری، جست‌وجو و پذیرفته شده و نه تنها جزء مضامین اصلی آن است؛ بلکه تعریف شعر پایداری بدون در نظر گرفتن حماسه، تعریفی جامع و کامل نخواهد بود. در شعر انقلاب، مجموعاً حماسه و عرفان که در ظاهر متعارض‌اند، یکی بعد از دیگری (حماسه) و دیگری بعد از آسمانی (عرفان)، با هم تلفیق شده‌اند. حماسه در میان انواع ادبی، بیشترین کاربرد را در حوزه ادب پایداری دارد. هنگام وقوع حادثه، تکیه بر مفاخر کهن و تحریک عواطف و غرایز در آثار ادب حماسی نمودار می‌شود. قسمت اعظم شعر انقلاب، در قلمرو حماسه و اندیشه‌های حماسی تکوین یافته

است و درخشان‌ترین درون‌مایه‌های حماسی شعر انقلاب عبارتند از: عاشورا، جنگ تحمیلی، شهادت، مبارزات انترناسیونالیستی^۱، قدس و فلسطین (یا حقی، ۱۳۷۸: ۲۰۸؛ کاکایی، ۱۳۸۰: ۳۹؛ ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳: ۲۰۵).

۲-۴- بررسی جلوه‌های پایداری و مقاومت در شعر ژاله اصفهانی

نقش زنان و به‌خصوص زنان شاعر در عرصه انقلاب و پایداری ایران انکارناپذیر است. «زنان در جریان آزمون دفاع مقدس، هویت اصلی شخصیت یک زن مسلمان را ارائه دادند. آنها با حضور مستقیم و غیر مستقیم خود، هم بر جنگ تأثیر گذاشتند و هم تأثیر پذیرفتند» (پناه، ۱۳۸۹: ۱۳۸). حفظ دستاوردهای فکری و علمی و توصیف جلوه‌های آشکار مقاومت و نیز دادن روحیه ایشار به مبارزان عرصه نبرد، به بهترین شکل در اشعار زنان شاعر متعهد، قابل رویت است. دل‌بستگی بیش از اندازه ژاله به وطن و نوستالژی‌ای^۲ که در غربت دام‌گیر او می‌شود، مهم‌ترین دلایل بروز شاخصه‌های پایداری در شعر او هستند. ژاله، چه زمانی که در وطن زندگی می‌کند و چه زمانی که راهی سفر ناخواسته می‌شود، از ایران و ایرانی نمی‌تواند دل بکند. او مدام در اشعارش، به تحریض و تحریک عواطف ملی و میهن پرستانه علیه ظلم و بیداد می‌کوشد. ژاله از جنس شعری همچون ابوالقاسم لاهوتی، پروین اعتصامی و... است که با لیاقت هر چه بیشتر، توانسته‌اند همدردی نسبت به رنج‌دیده‌ها و مظلومان، برخاستن علیه دشمنان، بازگویی سختی، فقر و فلاکت را در اشعارشان به طرز احسن به نمایش بگذارند. «ژاله به وطن عشق می‌ورزید و همواره در آرزوی دیدن آزادی و آبادی وطن بود و این عشق در جای جای اشعارش نمود دارد» (سلطانی خراجی، ۱۳۹۱: ۵۵). در ادامه، حوزه‌های محتوایی و موضوعی که به خلق اثر در مفهوم پایداری و دفاع می‌پردازند، بیان می‌شود و از همین منظر، به بررسی جلوه‌های پایداری در شعر ژاله می‌کوشیم. ادبیاتی که زائیده مفهوم مقاومت، پایداری و دفاع است، در سه حوزه محتوایی و موضوعی به خلق اثر می‌پردازد: ۱- حوزه طرح آرمان‌ها و تفکرات (توجیه حقانیت) ۲- حوزه بیان شجاعت و ستایش فتوحات (دعوت به مقاومت) ۳- حوزه سوگسرای و یادکرد جنگ (توصیف فاجعه) (کاکایی، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۶).

۲-۴-۱- حوزه طرح آرمان‌ها و تفکرات (توجیه حقانیت)

موضوعاتی که در این زمینه مطرح می‌شوند؛ در واقع، پیش زمینه‌ای مستحکم را برای عوامل بعدی ایجاد می‌کند. در این مرحله شاعر یا نویسنده، به گونه‌ای آشکار به بازگویی مواردی می‌پردازد که در حقیقت امر، آرمان افراد آن کشور را در بر می‌گیرد. این حوزه خود شامل گزینه‌های زیر است:

۲-۴-۱-۱- وطن دوستی و میهن پرستی

یکی از زمینه‌های تفکر در شعر پایداری، وطن دوستی است. سرزمین برای شاعر همه چیز می‌تواند باشد؛ محمل خاطرات کودکی، محل عشق ورزی‌های جوانی و آرامگاه سال‌های سالخوردگی (همان: ۶۵). در بررسی وطن دوستی در شعر ژاله، ما با دو مقوله زمانی و مکانی برخورد می‌کنیم: الف) زمانی که شاعر در وطن حضور دارد و از لحاظ زمانی - تقریباً - تا سن بیست و پنج سالگی‌اش را دربرمی‌گیرد: «به سر رسید زمستان سرد جان فرسا/ بهار آمد و عید است و روز دیدار است/ ز نیم بوسه به دستان مهربان وطن» (ژاله اصفهانی، ۱۳۸۴: ۴۵). ب) زمانی که شاعر در غربت به سر می‌برد و از این لحاظ تکاپوی او در ابراز حس میهن دوستی، بیش از پیش است و از بیست و پنج سالگی تا اواخر عمر او را در بر دارد. ژاله در بیان این حس، هم زادگاه خود شهر اصفهان را پیش روی دارد و هم ایران که وطن اوست:

شبی که ماه برآید به زنده رود گذر کن / ز دیده دل شیدا بر این بهشت نظر کن...

بین چگونه سپاهان که بوده مسکن مردان / ز حادثات زمانه خراب گشته و ویران (همان: ۲۸). «ای میهن، ای نام بزرگت افتخارم/ ای مانده در پس کوچه‌هایت یادگارم/ وی رنج‌هایت درد و داغم» (همان: ۲۷۴). در بین این دو موضع احساسی، شاعر بیشتر خود را مقید وطن می‌داند تا زادگاهش. به همین خاطر است که وطن و عناصر وابسته به آن، در یک سیر صعودی حضور خود را پررنگ‌تر نشان می‌دهند و حجم بیشتری از اشعار او را تشکیل می‌دهند: «وطن! وطن! که مقدس‌ترین امید منی/ تو مادر وطنی.../ وطن دو چشم و دو فرزند من نثارت باد» (همان: ۱۵۰)؛ «ایران من، ای عشق تو گرمی خونم/ دیشب ترا در خواب دیدم.../ دانم که پیروزی تو فردا» (همان: ۲۷۴).

۲-۱-۴-۲- جهان وطنی

جهان وطنی به این موضوع می‌پردازد که شاعر با جهان بینی گسترده‌ای، مفاهیم پایداری را در شعرش بیان می‌کند؛ یعنی زمانی که شاعر به بازگویی مسئله جنگ می‌کوشد، آن را در کشورهای بی‌شماری که به نوعی درگیر این مسئله هستند واکاوی می‌کند، نه فقط در وطن خودش. ایده جهان وطنی، همچنین منجر می‌شود که شاعر به نمایندگان اندیشه‌های صلح، آزادی و... در شعرش اشاره کند. «انترناسیونالیسم، مبتنی بر تئوری مارکسیسم جدا از حساسیت‌های قومی و منطقه‌ای و آیینی مدعی جهان وطنی است؛ حلاء تئوری وطن اسلامی و امت واحده سبب شد تا این ایده در شعر شاعران خاور میانه نیز، گسترش یابد» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۷۰). این تفکر، خواهان اقامه صلح و عدل در جهان و مشروعیت بخشیدن به انگیزه‌های دفاعی است. ژاله با انعکاس جهان وطنی در اشعارش، تعهد خود را به ارزش‌های والای انسانی و آنچه به عنوان حقانیت برای یک انسان مطرح است، ابراز کرده و آن را در بین نمودهای پایداری گنجانده است: «جهان» شده بیدار/شکست شیشه عمر سیاه استعمار/ وطن یا مرگ» (ژاله اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۲۲)؛ «نمی‌دانم/اگر که بودا امروز بین ما می‌بود/چه می‌سرود برای «گرسنگان جهان»» (همان: ۱۴۰).

۲-۱-۴-۳- استناد به متون مقدس مذهبی و دینی

استفاده از متون دینی، در شعر دفاع مقدس بسیار صورت گرفته است. با توجه به دینداری مردم، این مورد بیانگر زمینه دیگری از وحدت مذهبی و اعتقادی می‌تواند باشد و در سایه آن می‌توان به آرمان‌های والا در سطح جهانی دست یافت. جدال بین حق و باطل و پیروزی بدون شبهه حق بر باطل، از دیگر زمینه‌های استناد به متون مقدس است که به کرار در قرآن به آن اشاره شده است؛ برای مثال در سوره اسراء آیه ۸۱ می‌خوانیم که: «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا». ژاله در اشعارش مدام از اینکه حق بر باطل پیروز می‌شود و جبهه حق همیشه سربلند و پیروز است، اشاره می‌کند. بدون شک او ملهم از متون مقدسی بوده است که تلاش در جهت پیروزی در برگ برگ آنها هویدا و آشکار است. در حقیقت او به دنبال بیان این موضوع بوده است که نبرد هم‌وطنانش در برابر دشمن، همان مبارزه حق

در برابر باطل است و از این راه، حس تدافعی و نیل به پیروزی را در آنها بارورتر می‌کند: «ندانم آیا هر «صبر می‌رسد به ظفر»؟/چو عصر عصیان‌ها/به غیر صبر گشاده‌ست راه‌های دگر» (همان: ۳۵۲)، اشاره به حدیث نبوی «الصبر مفتاحُ الفرج»، او با تقابل‌هایی که بین نور و تاریکی و امید و بیم برقرار ساخته است، به راستی بر آن است تا پیروزی قاطعانه حق بر باطل را بازگو کند و از این رهگذر، با استمداد از متون دینی این واقعیت را هر چه بیشتر روشن کند: «به من تلاش بیاموز ای «آفتاب امید» / که در «مبارزه با دیوهای ظلمت و ظلم» / چنان شوم پیروز» (همان: ۱۴۶)، «اگر خورشید بر نیاید، دیوان آنچه را که در هفت کشور است، نابود کنند» (اوستا، یشت ششم: ۳۲۳). «وطن یا مرگ/ندای امروز است / نبرد حق و عدالت»، نبرد پیروز است» (همان: ۲۲۲)، «اشاره به آیات فراوانی دارد؛ از جمله آیه ۱۸ سوره الانبیاء: «بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه؛ بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد».

۲-۴-۱-۴- اهداف عالی انسانی

انسان و آرمان‌های صلح جویانه و آزادی خواهانه او، از دیگر زمینه‌های طرح تفکر در ادب مقاومت است. بشر، فطرتاً طالب آزادی می‌باشد و مخالف با هر آنچه ضد انسان و انسانیت است. حال شاعران که برخوردار از روحیه‌ای عاطفی‌تر هستند، با شدت بیشتری علیه آنچه نافی اهداف عالی انسانی است، برمی‌خیزند. ژاله، شاعری است که در پی تحقق بخشیدن به آزادی، انسانیت، پاسداری از وطن، مبارزه با فقر و برده‌داری و ... است. او هم‌صدا با بودا، زرتشت و دیگر انسان‌های حق طلب، خواهان زندگی خوب و عاری از اسارت و انسان‌کشی است؛ پس تا آنجا که توانسته این اندیشه‌های متعالی را در اشعارش بازگو کرده است. از مهم‌ترین این اهداف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۴-۱-۴- زندگی عاری از تهاجم

«میان قافله بودای پارسای خموش/ردای زرد به دوش.../و با سکوت مقدس به خویشتن گوید: «کسی که مژده رسان حقیقت پاک است/به «هیچ کس نشود

حمله‌ور» (همان: ۱۳۹). «بشر ز زور ستمگر دگر ندارد بیم ... / «وطن او زندگی خوب» / حق انسان است» (همان: ۲۲۲).

۲-۴-۱-۴-۲- مبارزه با برده‌داری

«اگر فرشته عصیان و خشم بودم.../به کوی برده‌فروشان، روانه می‌گشتم/برای حلقه به گوشان سرود می‌خواندم/که ضد بردگی و برده‌دار و برده‌فروش.../به پا کنند هزاران قیام آزادی» (همان: ۱۸۵). «ای برده بیچاره،/در خون غوطه‌ور شو/باشد که با لذت بخندد امپراطور.../اما، چه خشماگین و غمگین است شاعر» (همان: ۳۰۱-۳۰۲).

۲-۴-۱-۵- رویای صلح

شاعران مقاومت، برقراری صلح عادلانه را در گرو جنگ با دشمن و رهایی سرزمین‌شان می‌دانند. محو فتنه از جهان؛ به‌ویژه موطن مبارزان، مهم‌ترین آرزوی آنها بیان می‌شود. رؤیای صلح در شعر شاعران مقاومت، یا به شکل نبود کلی جنگ برابر با صلح است و یا به شکل پایداری در جنگ برای تحقق صلح است. ژاله به همان اندازه که مخالف جنگ و کشتار نسل بشر است، خواستار تحقق صلح در سراسر زمین است. او جامعه صلح را یک لحظه هم از اندام شعرش بیرون نمی‌آورد و مادامی که فریاد می‌زند نغمه صلح و سازش نیز، با آن طنین انداز می‌شود: «بگو ای رود توفانی.../در این دنیا/گناهی هست شرم‌آورتر/از «کشتار انسان‌ها»» (همان: ۱۴۸). «بر آن شدند جوانان سرزمین هنر/زباغ میهن من- از سراسر ایران/سرودخوانان گرد آورند دسته گلی/گلی برای جوانان صلح‌جوی جهان» (همان: ۵۹۸).

نکته قابل ذکر این است که ژاله هر چند لفظ صلح را عیناً در شعرش به کار نمی‌برد؛ اما آنچه از شعر او دریافت می‌شود به حقیقت بیانگر چیزی غیر از صلح و برقرار کردن آن نیست. ترکیباتی همچون فارغ از جنگ، دشمن جنگ، خشک شدن ریشه کشتار و غیره، همگی معادلی برای صلح قلمداد می‌شوند: «وقت آن نیست این زمان، آیا؟/که «شود خشک ریشه کشتار».../ «فارغ از جنگ» و بی خبر از بیم» (همان: ۳۲۴). «ای آبادان/سرود فتح را سر کن.../بگو، ما «دشمن جنگ‌ایم»

(همان: ۲۱۵). با توجه به تعدد مضامین پایداری در شعر ژاله، رؤیای صلح از پربسامدترین جنبه‌های پایداری در شعر وی است. اگر مبارزه شاعر با خون‌ریزی و آدم‌کشی را بتوان، معادلی برای صلح طلبی در نظر گرفت- با توجه به روحيات شاعر، زندگی سرشار از خوبی و مسالمت در نبود جنگ و هم‌چنین برپایی صلح امکان پذیر است- نمونه‌های فراوانی در شعر ژاله وجود دارد که گواه صادقی برای صلح خواهی شاعر به حساب می‌آیند. «با ستمگر نبرد باید کرد/ لیک آدم‌کشی و کشته شدن/ اگر شود عشق آدمی- درد است/ رفع این گونه درد باید کرد» (همان: ۶۰۸). به صراحت می‌توان گفت که بیش از پنجاه درصد از مضامین اشعار ژاله، به این موضوع اختصاص یافته است (دیوان اشعار صفحات: ۱۴۸، ۲۵۱، ۲۱۵، ۱۹۴، ۳۰۱، ۲۸۴، ۳۱۱، ۳۱۸، ۳۲۴ و ...).

۲-۵- حوزة بیان شجاعت و ستایش فتوحات (دعوت به مقاومت)

«می‌توان گفت، این موضوع از موضوعاتی است که شاعران معاصر با استقبال ویژه‌ای آن را دنبال کردند؛ همچنین در بین موضوعات طرح شده و قابل بررسی، بیشترین اقبال از جانب عامه مردم نسبت به همین موضوع صورت گرفته است» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). بیان شجاعت و ستایش فتوحات، خود شامل چند شاخه است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۲-۵-۱- تحریض به دفاع و مقاومت

همانگونه که شاعر، دشمن را تهدید به انتقام می‌کند؛ به همان اندازه و شاید بیشتر مبارزان را که کودکان، زنان و افراد دیگر را شامل می‌شود، تحریک به دفاع از خاک وطن می‌کند. بر این مبنای آنچه وظیفه خطیر شاعر محسوب می‌شود، برانگیختن همین حس تهدید و تحریک است که در بالاترین سطح، منجر به پیروزی و رسیدن به آزادی می‌شود. «شاعر مقاومت، علاوه بر اینکه به شرح خرابی‌ها و رنج‌های مردم می‌پردازد، آنان را به مقاومت ترغیب می‌کند و در این میان چهره سالوس صفتان را که در میان موج مردم پنهان شده‌اند، افشا می‌کند» (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۱۸۰). بیشترین جلوه پایداری را که می‌توان در اشعار ژاله جست‌وجو کرد، مقوله تحریض به دفاع و مقاومت است. شاعر در این حوزه، بیشترین احساسات و

عواطف خود را بروز داده است. او با اینکه در وطن حضور ندارد؛ اما از دور شاهد تمام وقایع است. او دفاع از وطن را راه از خود رها گشتن می‌داند و این مبارزه را دفاع مقدس می‌نامد: «هر ایرانی که در دل عشق پر شور وطن دارد.../در این رزم مقدس با تو همراه است/ که ایرانی وطن خواه است» (ژاله اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۱۴). او با کنار هم قرار دادن وطن، عشق، آزادی، شکوفایی و ... حس تحریض به دفاع و مقاومت را در روح مدافعان و مبارزان تشدید می‌کند: «بگو، ای هموطن! آیا چه روحی دارد آزادی؟.. /آیا چه راهی دارد آزادی: /ره از خود رها گشتن؟» (همان: ۲۶۵)؛ «چه جای نوحه‌سرایی است از برای وطن؟ /به دست ماست که باید در هوای وطن /درخت خانه ما پر گل و شکوفه شود» (همان: ۳۵۲).

۲-۵-۲- ستایش رزمندگان

قهرمانان جنگ در شعر مقاومت، ترکیبی از طبقات مختلف مردمند؛ از سربازان گرفته تا زنان رزمنده، نوجوانان و پیرمردان. شاعر مقاومت هنگام تجلیل از این مبارزان، با واقع بینی خاص خود دست به اسطوره آفرینی می‌زند و در این مسیر، اسطوره‌های خود را متعالی جلوه می‌دهد و آنها را الگوی دیگر مبارزان قرار می‌دهد. در مجموع فنون ستایش و تحسین مدافعان را می‌توان بر مبنای ذیل قرار داد:

۱- ستایش مدافعان به توانایی فیزیکی که ملهم از ادبیات کلاسیک و جنگ‌های کهن است؛ ۲- ستایش مدافعان به برتری اعتقادی که عبارت از تعقل، تدبیر، ایمان و احساسات ملی است (کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۰۲-۱۰۳؛ محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). غرور ملی در جای‌جای شعر ژاله پیدا و آشکار است. او یکی از وظایف خود را تحسین پاسداران پاکبازی می‌داند که با شجاعت تمام، دشمن را روسیه کرده‌اند. خشم و خروش او برای رسیدن به قلعه نجات است. شاعر چقدر خوب توانسته از عهده این مسئولیت برآید و رزمندگان را که با سلاح جان از سنگلاخ‌های حوادث می‌گذرند، ستایش کند:

«درود ای قهرمانان- مردم رزمنده ایران! / که میهن را رها از سلطه بیداد شه کردید/ شما، کاخ سفید و کاخیان را رو سیه کردید» (ژاله اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۶۷).

«به استواری گام بلند جان‌بازان/ که می‌روند به میدان یک جهاد بزرگ/ در این حماسه خونین» (همان: ۲۸۰).

۲-۵-۳- تهدید به انتقام و تسلیم شدن

یکی از راه‌های افزایش روحیه مبارزان، تهدید دشمن به انتقام و خواندن رجز است. بر اساس تقابل حق و باطل و پیروزی بی چون و چرای حق، این پدیده در ادب پایداری امری محتوم و قطعی است. «در حقیقت، تهدید به انتقام و ارباب دشمن، جزء مقاصد و کارکردهای رجز محسوب می‌شود» (کافی، ۱۳۹۰: ۱۳۹). به نظر ژاله، هنگامی که آشوب جهان را فرا می‌گیرد، باید هر شعرش یک انسان بشود تا بتواند وطن را که غوطه‌ور در اشک و خون است، یاری کند. او با شجاعتی که خاص ایرانی است، نه تنها دشمنان را تهدید به انتقام می‌کند؛ بلکه سربلندی هم‌میهنانش را که در مقابل هیچ عصیانگری سر تسلیم فرود نیاورده‌اند، به رخ آنان می‌کشد: «ای آبادان... بگو، ما عاشق آزادی و ایمان و فرهنگ‌ایم/ ولی خصم تجاوزگر/ اگر زین بیشتر / در سرزمین ما بریزد خون/ شود مغبون» (ژاله اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۱۵)؛ همچنین در شعر زیر، ضمن برشمردن ویژگی‌های استکبار، نهایت کار او را پیش‌بینی می‌کند و می‌گوید با توجه به مقاومت مردم و آزادی‌خواهی آنان چاره‌ای به جز تسلیم شدن ندارد: «خدای دهشت و جنگ/ که سایه سیه، افکنده‌ای به «کاخ سفید»/ خجسته پیکر آزادی دارد از تو ننگ.../ تو هیچ چاره‌ای نداری/ مگر شوی تسلیم» (همان: ۶۶۱). «به خشم آتشین مرد و زن سوگند/ به نوزادان زخمی، نوجوانان به خون خفته/ به آیین شهیدان وطن سوگند/ که آخر نعش دشمن را/ به خواری افکنیم از خاک خود بیرون» (همان: ۲۱۶).

۲-۵-۴- دعوت به اتحاد و همبستگی ملی

همزمان با اوج تفرقه و قدرت گرفتن عوامل مهاجم، ژاله در شعرش به اندیشه اتحاد ملی، جانی دوباره می‌دهد و مردم را به همبستگی ملی برای مقاومت در برابر دشمنان و مقهور کردن آنان فرا می‌خواند. او با بیان این سؤالات که چرا ملت ایران در پیکار خود از سنگرهای واحد دور شده‌اند، خواهان یکی شدن ملت در جبهه‌ای واحد است: «چرا ای ملت ایران / از سنگرهای واحد دور هستی / نمی‌گویم که یک دم پیش

دشمن/توسر خم کردی و مقهور هستی» (همان: ۶۵۳)؛ «شکست/تلخ‌ترین واژه/ناگوارترین/هنوز در دل ما شور و زور در بازوست» (همان: ۵۲۵).

۲-۵-۵- ستایش آزادی و رهایی

«آزادی، از واژگان و اصطلاحاتی است که پس از انقلاب مشروطه در معنای سیاسی به کار رفته است. در شعر نو این واژه، هم بار سیاسی و اجتماعی و هم بار انسانی دارد» (عالی عباس آباد، ۱۳۸۷: ۱۴۱). آزادی در شعر ژاله، مقوله‌ای پرکاربرد است. مبارزه او برای آزادی در درجه اول، مبارزه برای آزادی بشر و بعد آزادی ایران و ایرانی است: «درخت آزادی/چه جاودانه درختی است سبز و معجزه‌گر/که هرچه باد مخالف بر او هجوم آورد/بلندتر شود و برگ و بارش افزون‌تر» (ژاله اصفهانی، ۱۳۸۴: ۵۸۹). «بگو ای هموطن/آیا چه روحی دارد آزادی:/هوای تازه صبح بهاران است؟» (همان: ۲۶۵). «هستی من فدای آزادی/حاضرم زندگانی خود را.../افکنم پیش پای آزادی» (همان: ۴۸۴).

۲-۶- حوزه سوگسرایبی و یادکرد جنگ (توصیف فاجعه)

این کارکرد، به نوعی در ذیل تحریض به مقاومت قرار می‌گیرد. بیان حزن-آلود شاعر در خرابی‌ها و ویرانی‌های جانی و مالی که دشمن به وجود آورده است، مهم‌ترین دستاویز او برای قوام بخشیدن به احساسات مدافعان است. شاعر مقاومت، با استفاده از لحن حماسی، ترغیبات لازم را در احساس مخاطب پدید می‌آورد. این لحن حماسی در اساس، همان دعوت به مقاومت است.

۲-۶-۱- جنگ

در بینش ژاله، جنگ از منفورترین مفاهیمی است که در دنیا وجود دارد. او در همه جای اشعارش، نفرت از جنگ را به تصویر می‌کشد و با واقع‌بینی تمام آن را مذموم می‌انگارد: «چون من همه مادران گیتی/دارند ز جنگ نفرت و ننگ/ای لعنت مادران دنیا/بر هر که فروزد آتش جنگ» (همان: ۵۴). از دیدگاه او جنگ، برای همه نسل بشر پلید و ناپاک است و جهان برای زدودن این پلیدی، باید روحی بیدار و اقیانوس گونه داشته باشد؛ لیکن آنچه آتش به جان او انداخته است، خرابی و ویرانی گوشه‌ای کوچک از وطن است:

«ناله سایه‌ای که مانده به سنگ ... [اشاره به باقی مانده از یک قربانی بمباران اتمی هیروشیما] یاد شومی است از جنایت جنگ» (همان: ۳۲۳). «شهر عشق و حماسه- ای شیراز ... /وه، که آتش گرفته‌ام زین درد/کآتش جنگ در تو شعله ور است» (همان: ۳۵۵). به همین دلیل است که شعر خود را مانند انسانی در نظر می‌گیرد که باید در برابر آشوب جهان عصیانگر باشد. احساس شاعر در این نقطه، تقریباً به اوج خود می‌رسد: «وقتی که آشوب «جهان» از حد فزون است/هر شعر یک انسان شود/پر اشک و عصیان» (همان: ۳۴۸).

۲-۶-۲- مرثیه بر شهیدان

شهیدان، همان مبارزان میدان حق و عدالت هستند که با جان و دل خود دشمن را به خاک و خون می‌کشانند. شهیدان در نگاه ژاله، افرادی هستند که برای رسیدن به آزادی، ایثار و از خود گذشتگی، برای یک لحظه هم، عرصه نبرد را خالی نمی‌کنند. در قبال این، او نیز حقی بر گردن دارد و آن همانا ستایش مقام همین شهیدان است. ابراز دردی که سال‌های سال در جان مردم ریشه دوانده، انگار بیشتر در وجود ژاله به بالندگی رسیده است. از گذار همین اندیشه است که در برابر شهیدان به نماز می‌ایستد و تا زنده است بر مزار آنان تعظیم می‌کند: «ای شهیدان راه آزادی! که در این خاک خفته اید آرام/می‌کنم بر مزارتان تعظیم» (همان: ۶۵۵)؛ «شهید هموطن/ای زنده جاوید... /گر روزی بینم زادگاهت را/به مژگان می‌کنم خاک تو را جارو» (همان: ۲۶۶). «کنون به شوق شتایید سوی یار و دیار/به پیشگاه وطن، خم کنیم سرها را/به هر مزار شهیدش نهیم لاله سرخ» (همان: ۴۶).

۲-۶-۳- توصیف مظلومیت زنان در جنگ

توصیف مظلومیت زنان در دفاع مقدس، هم سیمای انواع دفاع را به نمایش می‌گذارد و هم انگیزه‌های دفاع را تقویت می‌کند. حسرت بر زنان بی‌شوئی که به علت فاجعه جنگ، اسیر و بی‌سرپرست مانده‌اند؛ از دیگر ویژگی‌های پایداری در شعر ژاله است. در قسمت‌هایی که ژاله به سوگ‌سراییی بر شهیدان می‌پردازد، دلسوزی بر همسران شهیدان و به میزانی بیشتر، مرثیه برای مادران شهیدان نیز، با آن بیان می‌شود. این ویژگی نیز در شعر ژاله، دارای بسامد بالایی است و علت آن

بدون شک حس زنانه-مادرانه‌ای است که در جای‌جای شعر ژاله نهفته است. با تأمل در این نکته که خود شاعر نیز، مادر است و به فرزندانش عشق می‌ورزد و خود را فدایی آنها می‌داند؛ بنابراین، به نوعی رابطه‌ی بین پایداری و بیان و اندیشه‌ی زنانه در شعر او آشکار می‌شود. اندیشه‌ای که خود را در قالب حسرت بر مادران شهیدان نشان می‌دهد. «ای زن ایران.../تو در نبرد دلیرانه‌ی زمانه‌ی ما/بسا شهید که دادی به راه آزادی» (همان: ۲۹۶). «یک شامگاه تار/در بر گرفته کودک خود را زنی جوان.../آشفته حال از غم شوی شهید خویش/مردی که در مبارزه‌ها داده بود جان/وز عمر پر مشقتش وی مانده یادگار/یک طفل شیر خوار» (همان: ۶۷۰). «مادر! غم عزیز شهیدت، از آن ماست/فرزند تو حماسه‌ی جاوید میهن است» (همان: ۳۱۵). «آید به دیدار پسر آن مادر پیر/زانو زند در نزد فرزند شهیدش/ریزد به روی سنگ‌ها موی سپیدش» (همان: ۶۳۲).

۲-۶-۴- انتقاد از اوضاع پریشان وطن

جلوه‌ی دیگری از پایداری که در شعر ژاله جریان دارد و می‌توان آنها را برخاسته از روح ظلم ستیز و آرمانگرایی او در نظر گرفت، پرخاشگری نسبت به اوضاع و شرایط نابه‌سامان وطن است. آنچه در ذهن شاعر می‌گذرد و هر لحظه او را در ستیز با بیدادگری خروشان‌تر می‌کند، به اعتراض به بی‌بند و باری و دعوت هم‌میهنان به بیداری در برابر خدعه‌های دشمنان داخلی بدل می‌شود. شاعر انقلاب زمان آگاه است؛ بنابراین، شاعر زمان-آگاه و انقلابی حساسیتی ویژه دارد و پیرامون خود را به خوبی می‌نگرد... و بر همین اساس آنجا که باید فریاد بزند یا اعتراض کند، کوتاه نمی‌آید و زبان به اعتراض می‌گشاید؛ بنابر این اعتراض، یکی از جان‌مایه‌های شعر انقلاب به حساب می‌آید (کافی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). «چو فریاد فقیران می‌کنم گوش/کنم درد و غم خود را فراموش.../جوانان وطن زار و پریشان/به زیر بار غم وامانده پیران» (ژاله‌اصفهانی، ۱۳۸۴: ۶۴۰)؛ «شاعرم، شاعری جوان‌ام من.../تیره روزی ملت ایران.../آتش افکنده بر دل و جانم» (همان: ۶۷۹).

۲-۷- نمادهای پایداری در شعر ژاله

شعر پایداری همانند دیگر انواع شعر فارسی، اصطلاحات و واژگان خاصی را برای خود وضع و رایج کرد. پیوند انقلاب با اساطیر، تاریخ، جهان معاصر، طبیعت و... باعث شد که شاعران عرصه مقاومت با بهره‌گیری از این عناصر، به آفرینش نمادهایی برای بیان افکار و سخنان خود پردازند. در این مسیر، شاعران هم به احیای نمادهای گذشته پرداخته‌اند و هم خود دست به وضع نمادهایی زده‌اند که خاص ادبیات انقلاب است. «با استفاده از نمادگرایی، عقیده‌ای که ممکن است ظاهری یکنواخت و تکراری داشته باشد، می‌تواند به نظری تازه با بار معنایی بسیار مؤثر و زنده تبدیل شود» (نامه پایداری، ۱۳۸۴: ۱۹۸). وقوع جنگ تحمیلی پس از پیروزی انقلاب، بستر نمادگرایی را برای شاعران بازتر کرد؛ در واقع شاعران در این حوزه، پیوند خود را با گذشته درخشان ایران محکم‌تر کردند و از این منظر به ساختن نماد پرداختند. «با تکیه بر محتوای پیام نمادها و نظر به خاستگاه و جنس آنها، نمادهای موجود در ادبیات انقلاب را می‌توان در گروه‌های انقلابی، مذهبی، تاریخی و اساطیری، نمادهای بیداری، نمادهای طبیعی، نمادهای منفی و نمادهای جهانی جای داد» (کافی، ۱۳۹۰: ۱۶۷). ژاله اصفهانی، همپای شاعران عرصه مقاومت، به تصویر آفرینی و نمادپردازی در عرصه پایداری پرداخته است. روحیه انقلابی ژاله در برخورد با عناصر ظلم و بیداد، تعهد و التزام به میهن، شعر او را هم از لحاظ شکل ظاهری و هم از لحاظ محتوا، کاملاً شبیه به اشعار حوزه پایداری کرده است و نمادهایی که او به کار گرفته است در حقیقت جزء پنج نوع نمادهایی است که برای ادبیات انقلاب تعریف شده است.

۲-۷-۱- نمادهای انقلابی

واژگان و اصطلاحاتی است که به سبب بروز انقلاب به صورت نماد در آمده‌اند یا پیش از این نیز، حضور داشته‌اند و در عهد انقلاب احیاء شده‌اند (همان: ۱۶۷). از برجسته‌ترین نمادهای پایداری در شعر ژاله، می‌توان به نمادهای انقلابی‌ای که برای شهید و شهادت به کار رفته‌اند، اشاره کرد؛ از جمله: شقایق، لاله، پرستو، شمع و غیره: «تو مشتاقانه و مردانه جان دادی/ که از خونات شود ایران/ «شقایق-

زار» آزادی» (ژاله اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۶۷). و «لاله‌های» تو، شمع مزار «سرو قدان» که پشته پشته شهیدان کارزار است اند» (همان: ۲۸۱).

۲-۷-۲- نمادهای اساطیری و تاریخی

این نمادها در واقع، برای حماسه‌گونه کردن اشعار و در حقیقت برای تحریض و تشجیع حس مبارزه رزمندگان، از جانب شاعر موضع کاربرد به خود گرفتند. ژاله در استفاده از اینگونه نمادها، فقط به نمادهای اساطیری - تاریخی ایران بسنده نکرده؛ بلکه اسطوره‌های دیگر کشورها را نیز در شعر خود به کار گرفته است: «ایران حماسه زاست.../ این سرزمین مکان هزاران «تہمتن» است / آیین‌اش استواری و اسطوره گشتن است» (همان: ۳۱۵). «شاید که «اسپارتاک» عاصی / زین گونه میدان‌های کشتار.../ در سینه گرم غلامان تخم کین کاشت» (همان: ۳۰۲). «ما آرزومندان خوشبختی انسان / برخاستیم آن سان / که روزی «مزدک» آزاده برخاست» (همان: ۵۵۸).

۲-۷-۳- نمادهای بیداری

طرح مؤلفه‌هایی نظیر آزادی، حق رأی، دموکراسی و ... در جامعه معاصر ایران؛ به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه، که عصر بیداری خوانده شده است، این واژگان را به ادبیات وارد کرد. برخی از نمادهای بیداری عبارتند از: سحر، سپیده، خورشید، آفتاب، نور، صبح، روز و ... با پیدایش انقلاب، اینگونه نمادها حیاتی دوباره به خود گرفتند (کافی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). ژاله از آنجا که جنبه‌ای از اشعارش را به مبارزه با غفلت و تنبّه هموطنانش از خدعه‌های دشمنان اختصاص داده است در استفاده از اینگونه نمادها، حساسیت بیشتری از خود نشان می‌دهد و میدان را برای حضور آنها باز می‌گذارد: «می‌پرسی از من اهل کجایم؟ / از سرزمین شعر و عشق و «آفتابم»... / از سنگر قربانیان انقلابم» (همان: ۵۸). «البرز مهربان / روزی که جغد جنگ گریزد ز مرز ما... / صدها هزار «مشعل سوزان» ز قلعه‌ها / سر بر کشد به بزم بزرگ «ستاره‌ها»» (همان: ۳۱۳).

۲-۷-۴- نمادهای طبیعی

همانگونه که از نام این نوع نمادها معلوم است، نمادهایی را طبیعی می‌گویند که برگرفته از طبیعت باشند. نمادهایی چون بهار، خزان، سرو، کوه و ... حضور

چشم‌گیری در ادبیات انقلاب دارند. انس ژاله با طبیعت و الهام گرفتن از عناصر آن باعث شده است که او نمادهای طبیعی‌ای را به کار بگیرد که بیشتر وطن و سرزمین او را نشانه می‌روند:

«کدامین پهلوان باید ز پیروزی خبر آرد/ که در راهش چراغانی شده سرتاسر «جنگل»» (همان: ۲۷۰). «من از سپیده شب‌های سرد آمده‌ام.../ به عشق نور و نسیم/ به «دشت» آتش و خون و نبرد آمده‌ام» (همان: ۲۷۹). «پر افشان شو، ای مرغ، مرغ مهاجر/ که باز این زمان وقت کوچ است و کوشش/ «چمن» سربه‌سر غرق خون است و آتش» (همان: ۳۵۹).

۲-۷-۵- نمادهای منفی

در ادبیات انقلاب به مانند دیگر دوره‌های شعری، تقابل عناصر سیاه و سفید، حق و باطل، تاریکی و روشنایی و غیره میدان گسترده‌ای دارد. بر این اساس، آنچه به عنوان نماد منفی ادبیات انقلاب از آن یاد می‌شود؛ در واقع نمادهایی‌اند که مظهر پلیدی و ناپاکی، خونخواری و انسان‌کشی و ... هستند. ژاله در بیان این دسته از نمادها، گسترده‌بینی می‌کند و به دیگر کشورهایی که در مبارزه با این عناصر باطل هستند، هم اشاره می‌کند و اینگونه نمادها را برای آن کشورها نیز به کار می‌برد: «چگونه می‌توان زین همه واهمه آسود: / مبادا دست یک «ابلیس» دیوانه/ فشار آرد به روی دکمه شومی» (همان: ۴۴۷). «درود ای مصر رزمنده/ بت فرتوت استعمار را بشکن/ و «فرعون» ستم را برفکن از تخت» (همان: ۶۵۱).

۳- نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن این موضوع که خلق اثر در ادبیات پایداری در سه حوزه طرح تفکر و آرمان‌ها، دعوت به مقاومت و یادکرد جنگ خلاصه می‌شود، شعر ژاله اصفهانی دربر دارنده هر سه حوزه ادبیات پایداری است. با توجه به زمان سرایش اشعار ژاله، هر چه از شعرهای آغازین به سمت جلو حرکت می‌کنیم؛ نموده‌های پایداری با برجستگی بیشتری خود را نشان می‌دهند. مهم‌ترین دغدغه شاعر پیروزی بر دشمنان و رسیدن به آزادی است. بارزترین ویژگی پایداری در

شعر ژاله، تحریض به دفاع و مقاومت است که منجر به حماسه‌گون شدن شعر او می‌شود. خصیصه دیگر پایداری در شعر ژاله، گسترده‌نگری شاعر نسبت به موضوع مقاومت است. او در شعرش، آزادی خواهان دیگر کشورها را ستایش می‌کند که این کار کرد به نوبه خود، باعث ظهور جهان وطنی در شعر او می‌شود. نمادهای به کار رفته در شعر ژاله شامل نمادهای انقلابی، نمادهای بیداری، نمادهای اساطیری - تاریخی، نمادهای طبیعی و نمادهای منفی است.

یادداشت‌ها

- ۱- انترناسیونالیسم که در مقابل ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی به کار می‌رود، از واژه مرکب inter-nationale به معنی بین‌المللی در زبان فرانسوی گرفته شده و مجموعه معتقداتی را در بر می‌گیرد که بر اساس منافع مشترک ملت‌ها و اقوام مختلف جهان و امکان همکاری و همزیستی و اشتراک مساعی آنها تا سرحد از میان برداشتن مرزها و یکی شدن آنها قرار گرفته است. در زبان فارسی اصطلاح «جهان‌وطنی» را می‌توان معادل انترناسیونالیسم دانست (طلوعی، ۱۳۸۵: ۲۰۳).
- ۲- «نوستالژی» (Nostalgia)، واژه‌ای فرانسوی است و برگرفته از دو سازه یونانی (Nostos) به معنی بازگشت و (Algos) به معنی درد و رنج است. در فرهنگ‌ها به معنای «حسرت گذشته، احساس غربت و غم غربت» (باطنی، ۱۳۸۰: ۵۲۷) و «فراق، درد دوری، درد جدایی، احساس غربت، حسرت و آرزوی گذشته» (آریانپور، ۱۳۸۰: ۳۵۳۹) آمده است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آریانپور، منوچهر. (۱۳۸۰). فرهنگ پیشرو آریانپور (انگلیسی - فارسی). تهران: جهان‌رایانه.
- ۳- احمدیار، محمد حسین. (۱۳۸۵). دفاع بدون مرز (انعکاس جنگ تحمیلی در شعر معاصر عرب). تهران: صریح.
- ۴- اصفهانی، ژاله. (۱۳۸۴). مجموعه اشعار (دفتر اول). تهران: نگاه.
- ۵- باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). فرهنگ معاصر (انگلیسی به فارسی). تهران: فرهنگ معاصر.
- ۶- پناه، زینب. (۱۳۸۹). زن در آینه شعر دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۷- ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۴). شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس). قم: سماء قلم.

- ۸- دوست خواه، جلیل. (۱۳۸۹). گزارش و پژوهش اوستا. چاپ ششم، تهران: مروارید.
- ۹- روزبه، محمدرضا. (۱۳۸۱). ادبیات معاصر (شعر) ایران. چاپ اول، تهران: روزگار.
- ۱۰- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. ج سوم. تهران: پالیزان.
- ۱۱- سلطانی خراجی، پریچهر. (۱۳۹۱). زندگی و آثار زاله اصفهانی. تهران: آزاد مهر.
- ۱۲- صنعتی، محمد حسین. (۱۳۸۹). آشنایی با ادبیات دفاع مقدس. چاپ دوم، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- ۱۳- طلوعی محمود. (۱۳۸۵). فرهنگ جامع سیاسی. تهران: علمی.
- ۱۴- عالی عباس آباد یوسف. (۱۳۸۷). «آزادی و مفاهیم بازبسته به آن در شعر فارسی». پیک نور، سال هشتم، شماره دوم، ص ۱۴۱.
- ۱۵- قاسمی، حسن. (۱۳۸۱). صور خیال در شعر مقاومت. تهران: فرهنگ گستر.
- ۱۶- کافی، غلامرضا. (۱۳۹۰). شناخت ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- ۱۷- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی موضوعات ادبیات پایداری در شعر ایران و جهان. تهران: پالیزان.
- ۱۸- مجموعه مقاله های سمینار، بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. (۱۳۷۳). تهران: سمت.
- ۱۹- محدثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۸). شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۲۰- محمدی روزبهانی، محبوبه. (۱۳۸۹). قسم به نخل قسم به زیتون (بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین). تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- ۲۱- نامه پایداری. مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری. (۱۳۸۴). به کوشش دکتر احمد امیری خراسانی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- ۲۲- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). جویبار لحظه ها. تهران: جامی.